یادداشت

استقلال تیم فکری؟ هنوز نه

یکم- مربیان در لیگ برتر ما نیز مثل همه جای دنیا، باید کلاس- آن هم درجه عالیاش را- دیده باشند! پرسیده می‌شود که چرا؟ مثلاً علی کریمی، با آن همه سابقه بازیگری که در سطح اول اروپا هم مقبول بود- بازی در بایرن‌مونیخ آن هم در نقش ارباب تکنیکی بایرن- چه نیازی دارد به کلاس و طی یک دوره آموزش ۲۱ روزه؟ جواب را حالا باید گرفت: ...با توجه به واکنش خود کریمی در قبال حضور نامدیران در امر مدیریت! با توجه به عکسالعمل فرهاد مجیدی در قبال کنشهایی از همین ناحیه و از ناحیه شبه‌مدیران، حالت «من میگویم» به خود میگیرد و اجازه نمیدهد این قبیل بازیکنان همخوی تیم شوند!

و این روزها، محرم نویدکیا را داریم! یک خوب از هر حیث ولی تأیید نشده از منظر مربیگری و کار میدانی! جریان مسابقه و روند بازی سپاهان-گلگهر، گویای خامی و ناپختگی محرم «مربی» بود که هنوز در قالب فرمانده تیم، ریزه‌کاریهای این حرفه را در عمل بلد نشده است! طی ۱۳، ۱۴ سال بازی، نویدکیا، تروک و تدابیر و ترفندهای بازی کردن را آموخته ولی ته پیچیدگیهای رهبری تیم و بازیکنان را نه! نویدکیا، البته که با هوش است و صاحب فراست و استعداد یادگیری! او میتواند ره چندساله را، یک‌شبه که نه، چندین شبه طی کند! و کاش سال پیش، می‌پذیرفت که یک سال کنار قلعهنویی در کادر فنی سپاهان خود را بیازماید و آمادهتر به چالش مربیگری تن بدهد! مربیگری، صد سوراخ و سنبه دارد که باید در همهشان گیر کنی تا بازی یک- صفر برده را یک-۳ نبازی!

یاد میگیرند جنگاوری کنند

دوم- محمود فکری هنوز تیمی را که بتوان «تیم فکری» نامیدش، ندارد! نه سال پیش، نساجی تیم آقای فکری شد و نه حالا حالاها، استقلال را میتوان تیم ایشان دانست!

آری، استقلال دارد عادت میکند که با اصول و «باید» های مربیاش، محمود فکری، بازی کند! مهمترین خصلت بازی محمود فکری، هافبک جنگنده و دونده و شوتزن استقلال این بود که با تمام وجودش، با همه صداقتش و در خدمت تیمش، اصلاً برای تیمش بازی میکرد و امروز، در اولین تغییرات، استقلال دارد فیزیکیترین فوتبال خود را عرضه میدارد! که البته این هنوز از نتایج سحر است! باشیم و باشید تا صبح دولتش هم بدمد!

فکری وقتی تکل میزد، هیچ دلش نمیلرزید! فکری وقتی روی زمین سُر میخورد تا فاصله چند متری را به صفر برساند، باکی از زخمی شدن، لگد خوردن و پا به پا شدن نداشت! امروز استقلال را در همین راه میبینیم! تیمی که به زانوی مردانش —هر ۱۱ مردش- آینه نمی‌بندد! تیمی که بار شیشه حمل نمیکند! تیمی که میجنگد! تیمی که «دوآتشه» درگیر میشود! هنوز هم نه مثل فکری که «آر. پی. جی» زن قهاری بود! ولی گرایش دارد به همین شیوه! صدای تکلش تا تلویزیون هم بلند باشد! حتی قایدی پرهنر هم باید سفت باشد و سخت بازی کند! پیکارجو و اهل نبرد!

چه تیمی داشت نساجی روی نیمکت

سوم- روزی که فکری به اتفاق صمد مرفاوی و بقیه یاران و دستیارانش برای تحویل گرفتن کادر فنی استقلال آمدند، یک نام هم به میان آمد: وحید فاضلی! مازنی، درس خوانده و اصول مربیگری را در حدی آموخته که مقبول طبع فکری و مرفاوی و بقیه واقع شده است! در جواب به این سؤال که ایشان دیگر کیست، احاله دادندمان به گذشت ایامی کوتاه! و حالا ماییم و یک مربی پرانگیزه و جوان که هم خوب تمرین میدهد و هم خوب و صحیح آنالیز میکند و هم در مهرهچینی و کوچینگ و یارگیری تیم، کارش درست است و محتاج دلالان نیست! فاضلی مربی نساجی است که در اراک ۳ گل به تیم آلومینیوم اراک زد! ۳ گل تیم او زد و ۲ گل تیم فکری! متوجه شدید؟ ۵ گل از...

آل کثیر و سیاست سکوت

چهارم- درباره تصمیماتی که در AFC همواره نه بر لَه که علیه فوتبال ایران اتخاذ میشود، چه باید کرد؟ تمکین و فقط تمکین؟ مثلاً در قبال بلایی که بر سر عیسی آلکثیر نازل کردند و او را به جرم هیچ و با دلیلی پوچ، شش ماه از بازی‌های رسمی و بلکه غیررسمی هم محروم دانستند و به این ظلم آشکار و جفای توجیه‌ناپذیر خود، لباس قانونیت هم پوشاندند، چرا کسی کاری نکرد؟ آیا جای آن نداشت که گوش عمال کنفدراسیون را کمی بکشیم و اندکی بپیچانیم! یعنی از AFC هر غلطی که سر زد، مباح است؟

به همین راحتی و به همین آسانی، بساط ترکتازی شیخک ناشیخ بحرینی را باید پذیرا بود و درست نشان داد؟ پس بخشهای عریض و طویل حقوق بینالملل فدراسیون فوتبال ما، در چه کاری است که کاری به کار محرومیت شش ماهه گلزن دیر یافته شده فوتبال ایران ندارد؟ در ماجرای آلکثیر، چند خط مطلب به اعتراض و برای روشنگری خطاب به AFC ارسال شد؟ آقایانی که یک سخن از صدها سخن راست و درست سعید آذری را تحمل نمیآورید، چرا وقتی نوبت به ایستادن علیه اشتباهات عمدی کنفدراسیون فوتبال آسیا می‌رسد، کوه صبر و قله تأمل و دریای تحمل میشوید؟ ای من به فدای شرح صدرتان!

اتفاقی تلخ برای فوتبال ایران؛

محمود یاوری درگذشت

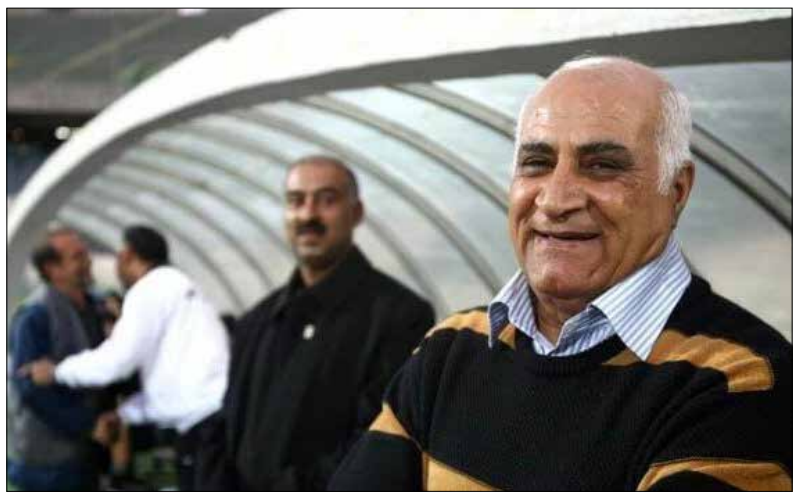

محمود یاوری پیشکسوت فوتبال ایران دارفانی را وداع گفت.

محمود یاوری پیشکسوت فوتبال ایران که از مدت ها قبل به دلیل بیماری در یکی از بیمارستان های شهر اصفهان بستری شده بود دار فانی را وداع گفت. وخامت حال او تا جایی پیش رفت که متاسفانه تلاش پزشکان هم موثر واقع نشد و در نهایت دنیای فانی را وداع گفت.

او نزدیک ۲۰ روز بود که در بخش آی سی یو یکی از بیمارستان های شهر اصفهان بستری شده بود.

روزنامه امتیاز این مصیبت را به خانواده محمود یاوری و جامعه فوتبال کشور تسلیت می گوید.

آخرین سلام جناب سرهنگ

محمود یاوری، پیشکسوت فوتبال ایران بعد از تحمل یه دوره بیماری، صبح روز سه شنبه در سن ۸۱ سالگی، در بیمارستانی در اصفهان درگذشت. درگذشت او برای فوتبال ایران یک اتفاق تلخ و ناراحت کننده است؛ کسی که مقام استادی برای اکثر بازیکنان قبل از دهه ۹۰ دارد و سال‌ها به طور خستگی‌ناپذیر در تیم‌های مختلف مربیگری کرد و تاریخ انقضای ابدی داشت.

اگر بیماری به سراغش نیامده بود، یاوری همچنان منجی تیم‌های در معرض سقوط بود که در هفته‌های پایانی مهر بقا بر پای این تیم‌ها می‌زد و به طور شگفتی‌آوری نشان می‌داد که همچنان دود از کنده بلند می‌شود. یاوری را باید باسابقه‌ترین فوتبالی اصفهان در ایران بدانیم که در تمام رده‌های ملی هم مربیگری کرده و در سال‌های پایانی عمرش، در کمیته فنی فدراسیون فوتبال حضور داشت. همین کارنامه پر و پیمان "جناب سرهنگ" که یک نظامی بازنشسته بود، نشان از تبحر او در فوتبال داشت. شاید دیسپلین نظامی او گره‌گشای مشکلاتش در خیلی از تیم‌های شلخته و بی‌نظمی بود که نیاز به کمک او داشتند.

دوران بازیگری از اصفهان تا پاس

مرحوم یاوری از اولین بازیکنان تیمی است که امروز به نام سپاهان شناخته می‌شود. او فوتبالش را از نوجوانی در شاهین اصفهان شروع کرد و اولین قهرمان را هم با این تیم اصفهانی به دست آورد و در ۲۴ سالگی قهرمان ایران شد. او تا آخرین روزهای انحلال شاهین در این تیم باقی ماند و در سال ۱۳۴۲ و همزمان با انحلال این تیم، راهی پاس شد و همراه با فوتبال، به جرگه فوتبالیست‌های نظامی هم پیوست.

خودش در تعریف نحوه ورود به باشگاه پاس و طی کردن دوره‌های نظامی‌گری می‌گوید: «زمانی که در تیم آموزشگاه‌های اصفهان بازی می‌کردم تیم‌ها در مدارس و کلاس‌ها مستقر می‌شدند و حتی رختخواب و وسایل خواب را هم خودمان می‌بردیم. بعد از بازی در آبخوری محوطه مدرسه داشتم دست و صورتم را می‌شستم که شنیدم یک نفر از پشت سر می گوید اصفونی! می‌خواهی بیایی دانشگاه پلیس؟ من هم سرم را بلند کردم و همانطور که نگاهش می‌کردم گفتم بله بد نیست. نگو او سروان صادقی بود که بعدا تیمسار صادقی شد و رئیس تربیت بدنی باشگاه پاس و شهربانی آن زمان و مرد بسیار خوبی بود.»

با ورود به پاس، از سال ۱۳۴۲ تا آخرین سال‌های فوتبالش را در این تیم قدرتمند که روزگاری جزو مدعیان بود، بازی کرد و در نهایت در سال ۱۳۵۰ در این تیم حضور داشت و در نهایت بازنشسته شد. حضور در سه بازی ملی بدون گل زده، کارنامه محمود یاوری در تیم‌ملی بود.

یکی از قاب‌های به‌یادمانده از محمود یاوری، سلام نظامی او برای خیلی از شاگردانش در دوران مربیگری بود. او نه برای همه، بلکه برای کسانی که از صمیم قلب دوست داشت، به شکل نظامی سلام می‌کرد که این موضوع مانند احترام یک ژنرال برای یک افسر یا یک سرباز بود.

سفر مارکوپولو از اصفهان تا دورافتاده‌ترین شهرهای ایران

چالش برانگیزترین دوران فوتبال یاوری، دوران مربیگری بود که او در اکثر تیم‌ها حضور داشت و در دوره‌ای هم هدایت تیم ملی را بر عهده گرفت. محمود یاوری همزمان با بازنشستگی از بازیگری، به اصفهان رفت و در سال ۱۳۵۰ هدایت ذوب آهن را برعهده گرفت و به این ترتیب به اولین مارکوپولوهای فوتبال ایران تبدیل شد که پس از آن در تیم‌های سپاهان (سه دوره)، برق شیراز (چهار دوره)، تیم ملی جوانان (دو دوره)، تیم ملی امید، تیم ملی بزرگسالان ایران، فجرسپاسی (سه دوره)، پاس، تراکتور، ابومسلم، استقلال اهواز (دو دوره)، راه آهن، شاهین بوشهر، صبای قم، پاس همدان، استیل آذین، ذوب آهن (دو دوره) و مس کرمان مربیگری کرد.

حضور در تیم‌های مختلف در اقصی نقاط ایران از محمود یاوری یک آچار فرانسه ساخته بود که مشکل‌گشای هر تیمی بود و اشتباه نیست اگر بگوییم او استاد اکثر بازیکنان دهه ۵۰، ۶۰، ۷۰ و ۸۰ شمسی است. مربیگری در چهار دهه.

یکی از دوران شاخص مربیگری او، حضور در تیم ملی فوتبال ایران بود که به علت تغییرات مدیریتی زیاد طول نکشید. در سال ۱۳۶۳ بهروز صحابه محمود یاوری ۴۴ ساله را به عنوان سرمربی تیم ملی بزرگسالان انتخاب کرد. در تابستان ۱۳۶۳ تیم ملی به رهبری محمود یاوری در مسابقات فوتبال مقدماتی جام ملت‌های آسیا ۱۹۸۴ شرکت کرد اما وقتی نصرالله سجادی به جای بهروز صحابه رئیس فدراسیون فوتبال شد، یاوری از مسئولیت سرمربی‌گری خود در تیم ملی کنار رفت.

فقدان او برای خیلی از شاگردان، دوستان، همبازی‌هایش یک درد بزرگ خواهد بود که به معنای واقعی کلمه در سال‌های پایانی مربیگری برای تیم‌هایش پدر بود نه یک مربی.

گاف های فدراسیون در پرونده ویلموتس

پرونده شکایت مارک ویلموتس بلژیکی از فدراسیون فوتبال و غرامت سنگینی که روی دست فوتبال ایران گذاشته عجیب ترین و سنگین‌ترین پرونده سال‌های اخیر و حتی می‌توان گفت تاریخ فوتبال ایران است که همچنان مساله ای لاینحل باقی مانده است. اگرچه تیم حقوقی فدراسیون فوتبال به دنبال فرجام‌خواهی و اعتراض به این حکم است ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد خیلی نباید نسبت به این موارد امیدوار بود. بررسی دقیق دعوای حقوقی ویلموتس با فدراسیون فوتبال ایران:

سیر تا پیاز محکومیت فدراسیون فوتبال

با توجه به محکومیت فدراسیون فوتبال در پرونده مارک ویلموتس، گمانه‌زنی‌های فراوانی درخصوص چرایی این پرونده وجود داشت که به دلیل عدم دسترسی نمی‌توانستیم ابعاد مختلف آن رابررسی کنیم و از حقیقت ماجرا آگاه شویم. امروز با در اختیار داشتن تصمیم فیفا در این پرونده، ابعاد حقوقی آن را بررسی می‌کنیم و پرده از واقعیت آن برمی‌داریم.

اخطارها و نامه فسخ

مارک ویلموتس پس از عدم دریافت دستمزد خود در طول قرارداد، پنج اخطار در تاریخ‌های ۶ مرداد، ۸ مهرماه، ۲۴ مهرماه، ۲۶ مهرماه و ۳۰ مهرماه ۱۳۹۸ برای فدراسیون فوتبال ایران ارسال می‌نماید. در تمام این اخطارها مهلتی برای فدراسیون در جهت پرداخت دستمزد اعطا نموده که با عدم دریافت دستمزد اقدام به تمدید مهلت پرداخت تا ۱۰ آبان ۱۳۹۸ کرده است (صفحه ۱۳ بند ۴۷). وکیل مربی بلژیکی این تمدیدها را به عنوان حسن نیت خود در ادامه رابطه قراردادی معرفی نموده است که در نظر قاضی فیفا نیز چنین مطلبی صحیح است. در نهایت با عدم پرداخت دستمزد تا ۱۰ آبان، ویلموتس قرارداد خود را با فدراسیون فوتبال با استناد به دلیل موجه فسخ می‌نماید (بند ۴۲).

پرداخت‌ها

درحالی که ویلموتس ادعا می‌کرد هیچ پرداختی تا ۱۰ آبان نداشته است، فدراسیون مدعی بود که در تاریخ ۹ آبان تمام این مبلغ به حساب وی واریز شده است.

نکته جالب توجه این است که فدراسیون فوتبال اسناد پرداختی ترجمه نشده‌ای را در این خصوص برای فیفا ارسال کرده که هیچ ارزش و اعتباری ندارد (بند ۴۶).

از طرف دیگر، ویلموتس اسناد واریز مبلغ در تاریخ‌های ۱۷ آبان و ۲۰ آبان را ارائه نموده که بر اساس آنها فدراسیون حداقل یک هفته پس از دریافت نامه خاتمه قرارداد، پانصد هزار یورو به او پرداخته است (بند ۱۴).

این پرداخت‌ها پس از خاتمه قرارداد بوده و تاثیری در فسخ این سرمربی ندارد.

عدم حضور در ایران

سرمربی تیم ملی بر اساس قرارداد خود شش هفته حق مرخصی داشت که می‌بایست به صورت مکتوب مورد پذیرش فدراسیون قرار بگیرد. اما می‌دانیم که او خیلی بیشتر از این در خارج از ایران بود. ایشان به دلیل عدم دریافت دستمزد خود در ایران حضور پیدا نکرد که این دلیل از نظر رویه فیفا کاملا موجه است و مورد پذیرش کامل قاضی پرونده نیز قرار گرفته است.

اسناد مخدوش

در زمان مذاکره برای ادامه قرارداد، فدراسیون فوتبال نامه‌ای از طرف وکیل ویلموتس را برای این مربی ارسال می‌کند که با اعتراض او مواجه می‌گردد. این نامه که از نظر مرد بلژیکی مخدوش بوده است از طرف وکیل او ارسال شده و فدراسیون آن را پاسخ داده (Reply) است. در نامه ضمیمه شده به جای استفاده از ایمیل صحیح وکیل این مربی که عبارت baer داشته از bare استفاده شده که تشخیص آن آسان است (بند ۱۵). قاضی فیفا این ایراد را وارد دانسته و پرونده را جهت رسیدگی به کمیته انضباطی فیفا ارسال نموده است (بند ۶۶).

با توجه به اینکه این نامه را دردسترس نداریم، نمی‌توانیم در خصوص صحت ادعای جعل نظری بدهیم اما در صورت اثبات جعلی بودن این نامه یا مخدوش شدن آن، علاوه بر جریمه مالی فدراسیون فوتبال، اشخاصی که در این امر دست داشته‌اند، حداقل به یکسال محرومیت از فعالیت‌های ورزشی محکوم خواهند شد. این نکته حتی می‌تواند توسط مدعی‌العموم مورد توجه قرار بگیرد و افرادی را به جرم جعل و استفاده از سند مجعول تحت تعقیب قرار دهد.

حضور روی نیمکت در بازی مقابل عراق

با توجه به اخبار منتشر شده در آبان ۹۸، مارک ویلموتس قرارداد خود را با فدراسیون فوتبال فسخ نموده بود اما در تاریخ ۲۳ آبان او بر روی نیمکت تیم ملی نشست و تمام گمانه‌زنی‌ها در مورد فسخ قرارداد را رد کرد. این حضور به نظر بسیاری از اهالی فوتبال به منزله ادامه همکاری او با فدراسیون فوتبال بود اما پس از این مسابقه او به ایران نیامد و بار دیگر به ادعای فسخ قرارداد پافشاری نمود.

این حضور باید به تفسیر ادامه قرارداد منتهی می‌شد اما مشخص شد که در تاریخ ۲۱ آبان او نامه‌ای برای فدراسیون فوتبال ارسال نموده و به صراحت اعلام کرده بود که بر اساس یک حرکت ورزشی و با حسن نیت بر روی نیمکت ایران خواهد نشست اما تمام حقوق خود مبنی بر فسخ قرارداد را حفظ نموده و از آن‌ها کوتاه نمی‌آید و هرگونه همکاری منوط به انعقاد یک قرارداد جدید است (بند ۴۱).

با صراحت این نامه جای هیچ حرف و حدیثی برای این مطلب وجود ندارد که حضور او در مسابقه با عراق لطفی از جانب این مربی بوده است و نه بیشتر.

صد و شش هزار یوروی ناقابل

خوشبختانه این سرمربی نتوانسته ثابت کند که مستحق دریافت شش هزار یوروی مربوط به پاداش بوده که البته اثبات آن نیز دشوار نبوده است. این قسمت از تصمیم فیفا نشان می‌دهد که وکیل ویلموتس اشتباهاتی را نیز داشته است (بند ۵۵).

ایشان درخواست صد هزار یورو برای آپشن‌های محتمل در آینده درخواست کرده که خوشبختانه مورد پذیرش قاضی فیفا قرار نگرفته است (بند ۶۳).

ماده پنج قرارداد

در ماده پنج قرارداد مشخص شده که درصورت فسخ موجه توسط سرمربی، مبلغ سه ماه دستمزد یا مبلغ معینی به عنوان غرامت پرداخت خواهد شد. با توجه به مبهم بودن این شرط، قاضی فیفا آن را باطل دانسته و بر اساس رویه فیفا، فدراسیون فوتبال را به مبلغ بیشتر از شش میلیون یورو محکوم کرده است (بند ۵۸ و ۵۹).

شرط‌های مربوط به تعیین میزان غرامت باید صریح و شفاف باشند و نه مبهم. این ابهام که با زیرکی توسط وکیل مربی بلژیکی در قرارداد گنجانده شده از چشمان طرف ایرانی پنهان مانده و ما را با این مبلغ نجومی مواجه ساخته است.

نتیجه

اعتراض به دیوان داوری ورزش هیچ ثمری برای فدراسیون فوتبال نخواهد داشت و صرفا موجب تحمیل هزینه‌های اضافی خواهد گردید. با توجه به محتوای پرونده، پیشنهاد می‌شود که مبلغ تصمیم فیفا هر چه سریعتر پرداخت شود تا با خسارت دیرکرد کمتری مواجه شویم. امیدوارم این پرونده موجب گردد تا مدیران شاغل در فوتبال به این درک برسند که یک شخص حقوقی متخصص حقوق فوتبال از ابتدای مذاکرات تا زمان انعقاد قرارداد می‌بایست در کنار آنها باشد تا چنین فجایعی تکرار نگردد.

انتقاد ها و اتهام ها، درست یا نادرست؟

اگر چه حدودا ۹ ماه از آغاز مربیگری اسکوچیچ می‌گذرد و او انتقادات از نحوه انتخابش به عنوان سرمربی تیم ملی را پشت سر گذاشته اما مرد کروات به تازگی چالش‌های واقعی را تجربه می‌کند؛ چالشی که در گذشته به سراغ قدیمی‌تر و برخی بزرگ‌تر از او یعنی کی‌روش، برانکو، ویلموتس، بلاژویچ، ایویچ و حتی مربیان وطنی مانند مایلی‌کهن، قلعه‌نویی، پروین و ... هم رفته است.

انتخاب فهرست محدودی از بازیکنان یکی از چالش‌های همیشگی مربیان تیم ملی است که وظیفه تکمیل پازل فکری سرمربی را برعهده دارند. شاید این یک موهبت بزرگ باشد که شمار بازیکنان آماده و در دسترس برای تیم ملی زیاد از حد باشد اما چه کسی است که در این شرایط از چالش واقعی یعنی انتقاد به فهرست بازیکنان دعوت شده جان سالم به در ببرد.

* اسکوچیچ در اول راهی که برانکو و کی‌روش رفته‌اند

همزمان با آغاز دومین اردوی تیم ملی، دراگان اسکوچیچ فهرستی را اعلام کرده که در آن، بازیکنانی مانند سردار آزمون، مهدی طارمی، علیرضا بیرانوند، علیرضا جهانبخش، مهدی ترابی، سامان قدوس، محمد محبی غایب هستند و خودش به مشکلات پیرامون درباره عدم دعوت از آن‌ها اقرار کرده است اما وریا غفوری، اشکان دژاگه، رامین رضاییان، حامد لک، مسعود شجاعی، محمدرضا خانزاده و ... بازیکنانی هستند که تا قبل از حضور این سرمربی کروات، مهره‌های ثابت تیم ملی بودند و غیبت این همه بازیکن در اردوی اخیر، منتقدانی خواهد داشت.

نخستین اتهام به همه مربیان تیم ملی حداقل در دو دهه گذشته، همکاری با دلال‌ها یا ایجنت‌های فوتبال است. از برانکو ایوانکوویچ گرفته تا کارلوس کی‌روش این وضعیت را تجربه کرده‌اند. نمی‌توان انتظار داشت که اسکوچیچ با این شائبه مواجه نشود که او هم در دعوت از برخی بازیکنان از برخی مشاورانش که مدیر برنامه یا ایجنت فوتبالی هم هستند، خط گرفته و شاید ریالی یا دلاری هم عاید او شده است.

برای یادآوری باید گفت که در هر دوره‌ای بازیکنانی بودند که هدف انتقادات قرار گرفتند و شائبه دلالی با سرمربی تیم ملی درباره حضور آن ها وجود داشت. در دوره برانکو بیشترین انتقادات به حضور بازیکنان نظیر جلال کاملی‌مفرد، محمد علوی، علی بداوی، ستار زارع و ... بود.

این فهرست را باید با کارلوس کی‌روش هم تکمیل کرد که بعد از دستاوردهای گوناگون در تیم ملی از جمله دو بار حضور متوالی در جام جهانی و ارائه بازی‌های بسیار خوب مقابل تیم های آرژانتین، پرتغال و اسپانیا، همچنان با اتهام دلالی مواجه بود. آخرین مورد محمدحسین کنعانی‌زادگان بود که می‌گفتند از طریق دلال‌ها به تیم ملی راه یافته اما حالا نه تنها تبدیل به ستون اصلی خط دفاعی پرسپولیس شده که در تیم ملی جایگاه ثابتی دارد.

* اسکوچیچ به وعده‌ات عمل کن

اسکوچیچ تافته جدا بافته نیست که از این قبیل مسائل جان سالم به در ببرد و انتظار داشته باشد برای همه انتخاب‌هایش دست بزنند و او را تحسین کنند. تنها راه باقی مانده برای اسکوچیچ همان راهی است که مربیان قبلی رفتند؛ او باید در گذر زمان ثابت کند که انتخاب‌هایش توانمندتر از چیزی بودند که طرفداران فوتبال تصور می‌کنند.

انتخاب‌های او با واکنش منفی بازیکنان سابق تیم ملی از جمله اشکان دژاگه و وریا غفوری هم مواجه شده است و قطعا با گذر زمان مخالفان بیشتری هم خواهد داشت که همه این مسائل باعث نگرانی است و ممکن است همانند گذشته نه چندان دور، باز هم به خاطر علاقه‌مندی‌های رنگی فوتبال‌دوستان، دو قطبی عجیبی در تیم ملی ایجاد شود.

اسکوچیچ در نخستین نشست خبری خود به عنوان سرمربی تیم ملی درباره انتقادات از سوی مربیان و بازیکنان و احتمال قرار گرفتن برخی در فهرست سیاه او، صراحتا اعلام کرد که نه فشار رسانه‌ها برای انتخاب بازیکن را می‌پذیرد و نه درهای تیم‌ملی را به روی انتقادات خواهد بست و هیچ گاه انتقاد بازیکنانش باعث ایجاد فهرست سیاه در مسیر انتخاب‌هایش نخواهد شد: «هیچ‌کس نمی‌تواند مرا بخرد. لیست سیاه هم ندارم. همه افرادی که در خانواده بزرگ فوتبال ایران فعالیت می‌کنند، می‌توانند درباره تیم ملی نظر بدهند و انتقاد کنند. با افراد منتقد با احترام برخورد می‌کنم.»

صحبت‌های او در نخستین روزهای مربیگری، قرار نیست فراموش شود و به نوعی سوگندنامه او به عنوان سرمربی تیم ملی است. او برای موفقیت در ایران، ابتدا باید خودش را از هر گونه مسائل حاشیه‌ای از جمله حضور مدیربرنامه‌ها و ایجنت‌ها در اطراف تیمش مصون نگه دارد که اگر جز این شود، کلاهش پس معرکه خواهد بود. او بعد از این است که می‌تواند تیمش را برای هر رقابتی سختی آماده کند و با موفقیت در بازی‌های بزرگ، احترام فوتبال دوستان ایرانی را برای خود بخرد.

با تمام این مسائل، یک نکته بسیار مهم وجود دارد که شاید دلیل اصلی روانه شدن سیل انتقادات به فهرست تازه تیم ملی هم از همین ناشی شود؛ این که اگر قصد اسکوچیچ جوانگرایی، تغییر فضا، تزریق خون تازه به تیم ملی ایجاد انگیزه در سایر بازیکنانی که زیر سایه ملی‌پوشان قرار گرفته‌اند بود، چرا این زمان را برای این هدف انتخاب کرد؟

تیم ملی چند ماه دیگر باید در چند دیدار حساس و سخت برابر عراق، بحرین، هنگ‌کنگ و کامبوج قرار بگیرد که دو تای نخست بسیار دشوار خواهند بود. بنابراین عقل سلیم حکم می‌کند که در بازی دوستانه خوب و با کیفیتی مثل دیدار با بوسنی، از بازیکنانی استفاده شود که بیشترین توان و تجربه را برای دیدارهای انتخابی جام جهانی دارند. اکنون چه زمانی برای استراحت دادن به لژیونرهای با تجربه تیم ملی است؟ قرار است در کدام اردو یا بازی دوستانه - تا شروع دیدارهای انتخابی جام جهانی - از آنها استفاده شود تا تیم ملی به هماهنگی کامل و ایده‌آل برسد؟

با در نظر گرفتن این مورد خاص، باید گفت که بیشتر انتقادها از فهرست تیم ملی کاملا وارد است اما باید امیدوار بود که اتهام‌ها به سرمربی و سایر ارکان تیم ملی درست نباشد.

گزارش

سلطان اخراج

پرسپولیسی‌ها در هفته نخست لیگ بیستم و در یک بازی خارج از خانه نتوانستند از پس سایپا بربیایند و درنهایت با یک تساوی بدون گل بازی را به‌پایان رساندند تا دشت اول آنها یک امتیاز باشد. برای هواداران پرسپولیس اما مهم‌تر از دو امتیاز از دست‌رفته سبک بازی سرخ‌ها بود که با ارائه یک بازی کم جان و سر در گم اسباب نگرانی‌شان فراهم شد. پرسپولیسی‌ها در دقیقه ۷۹ بازی با از دست دادن یک بازیکن به‌دلیل دریافت کارت قرمز کم جان‌تر از قبل این دیدار را به انتها رساندند و با توجه به اینکه بازیکن اخراج شده از زمین کمال کامیابی‌نیا بود که پیش از این هم در شرایط حساس تیمش را ۱۰ نفره کرده بود، بیشتر مورد انتقاد کارشناسان و هواداران سرخ قرار گرفت.

کارت زرد دوم؛ درست یا اشتباه؟

کامیابی‌نیا در نیمه دوم دیدار با سایپا ۲بار با کارت زرد داور مواجه شد که اولی آن در دقیقه ۴۹ از جیب داور بیرون آمد و کارت زرد دوم را نیز در دقیقه ۷۹ دریافت کرد تا مجبور شود زمین بازی را ترک کند اما پرسپولیسی‌ها به دریافت کارت دوم اعتراض داشتند و آن را به‌صورت مکتوب به کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال هم ارائه دادند تا امیدوار باشند این کارت زرد که به‌زعم آنها اشتباه بوده بخشیده شود و کمال بتواند در دیدار هفته دوم سرخ‌ها مقابل صنعت نفت آبادان در ورزشگاه آزادی، پرسپولیس را همراهی کند. حرف و حدیث‌ها راجع به کارت‌های زرد دریافتی کامیابی‌نیا در این دیدار زیاد شده و برخی کارشناسان داوری برخلاف نظر پرسپولیسی‌ها بر این باورند که کارت‌های زرد کمال درست بوده و او حتی می‌توانست یک دقیقه زودتر از دریافت کارت زرد دوم از زمین مسابقه اخراج شود. کمال پیش از صحنه کارت زرد دوم، در یک صحنه برای زدن ضربه‌ای آکروباتیک به هوا پرید و با نوک استوک به بازیکن سایپا ضربه زد که از نگاه کارشناسان داور با او مهربانانه رفتار کرد و به‌دلیل اینکه یک اخطاره بود با او برخورد سفت و سختی نداشت. با توجه به اینکه در قوانین آمده تنها اشتباهات فاحش داوری شامل حال بخشودگی بازیکن می‌شود، باید دید درنهایت کمیته انضباطی این تصمیم داور بازی را در رده تصمیمات اشتباه فاحش قرار می‌دهد یا اینکه رای قاضی میدان را تایید می‌کند.

سلطان اخراج

کامیابی‌نیا در این سال‌هایی که پیراهن سرخ را بر تن کرده بارها با کارت قرمز داور مواجه شده و در اکثر موارد هم با خطاهای بی‌مورد که حاصل بی‌احتیاطی این بازیکن بوده از زمین بازی اخراج شده است. همین موضوع باعث شده هواداران پرسپولیس که از قضا اعتقاد خاصی هم به بازی کمال دارند به ستوه بیایند و از حرکات بدون منطق این بازیکن انتقاد کنند. علاوه‌بر کارت‌های قرمزی که او دریافت کرده در بسیاری از موارد هم بدون توجه به بازی‌های حساس بعدی، با دریافت کارت‌های زرد بی‌مورد، پرسپولیس را از داشتن خودش محروم کرده که شاید مهم‌ترین این بازی‌ها یکی از دربی‌های حساس پایتخت بوده است. بد نیست بدانید که کامیابی‌نیا در بازی برابر سایپا در هفته اول لیگ بیستم با دریافت کارت قرمز، پنجمین کارت قرمز خودش در پرسپولیس را تجربه کرد و توانست به صدر جدول بازیکنان اخراج‌شده پرسپولیس در لیگ برتر برسد. پیش از این علی انصاریان با ۵ کارت قرمز در صدر جدول قرار داشت و شیث رضایی با ۴بار اخراج در رده دوم بود و حالا کامیابی‌نیا توانسته در لیگ برتر به رکورد کارت قرمزهای انصاریان برسد و البته این فرصت را هم دارد که با ادامه روند چندسال گذشته، خودش را به‌تنهایی در صدر بازیکنانی قرار دهد که بیشترین کارت قرمز را با پیراهن پرسپولیس دریافت کرده‌اند. البته کامیابی‌نیا سابقه اخراج در لیگ قهرمانان آسیا را هم دارد که با محاسبه این کارت قرمز، باید او را سلطان کارت قرمزی‌های پرسپولیس بدانیم.

عامل بازدارنده برای کمال وجود ندارد!

موضوعی که این روزها به سوژه اصلی منتقدان کارت‌های قرمز شماره ۱۱ پرسپولیس تبدیل شده، دریافت کارت‌های بی‌دلیل ازسوی این بازیکن است و آنها بر این باورند که هافبک دفاعی سرخ‌ها در رفتارهایش در زمین بازی دقت لازم را ندارد و با بی‌توجهی به اینکه ممکن است با هرکدام از این خطاهای بی‌مورد تیمش را دچار مشکل کند، کارش را در زمین دنبال می‌کند. شاید این رفتارهای کمال در زمین بیشتر به این دلیل باشد که مدیران باشگاه، کمیته انضباطی پرسپولیس و کادرفنی برخورد خاصی با کارت‌های زرد و قرمز کمال در زمین نکرده‌اند و او نیز وقتی این حاشیه امنیت را برای خودش می‌بیند، تصمیمی برای اصلاح رفتار خود در زمین نمی‌بیند. اکثر کارشناسان خبره فوتبال بر این باورند که باید در قرارداد این بازیکن که سابقه دریافت کارت‌های بی‌مورد دارد، بندی گنجانده می‌شد که درصورت دریافت کارت‌های بی‌مورد، مبلغی از قراردادش به‌عنوان جریمه کسر شود یا کمیته انضباطی باشگاه باید پیش از این با او برخورد جدی می‌کرد یا با حضور نفراتی مثل گل‌محمدی، باقری و پیروانی در کادر تیم، با این حرکات او بخورد جدی صورت می‌گرفت تا حساب کار دست این بازیکن آمده و دیگر رفتارهای این چنینی را در زمین مسابقه از خودش بروز نمی‌داد.

رضایی: هر بازیکنی با یک سبک خاص بازی می‌کند

شیث رضایی هم یکی از بازیکنانی بود که فوتبال پرحاشیه‌ای را پشت سرگذاشت و نامش به‌عنوان یکی از یاغی‌های پرسپولیس هنوز هم بر سر زبان‌هاست. او نیز به‌واسطه توجه زیاد به حواشی در زمین بازی، یکی از نفراتی بود که زیاد کارت‌های زرد و قرمز دریافت می‌کرد و به‌همین دلیل نامش به‌عنوان دومین بازیکن در لیست نفراتی که بیشترین کارت قرمز را دریافت کرده‌اند، دیده می‌شد. شیث که با ۴ کارت قرمز به کارش در پرسپولیس خاتمه داد، درخصوص اینکه رکورد کارت قرمزهایش توسط کمال کامیابی‌نیا شکسته شده گفت: «مگر کارت قرمز گرفتن هم رکورد دارد؟ اگر واقعا برای کارت‌های زرد و قرمز هم رکورد ثبت می‌کنند باید بگویم که این رکورد مبارک کامیابی‌نیا باشد.» او به کارت‌هایی که خودش در زمین بازی گرفته بود، اشاره کرد و گفت: «نمی‌توانیم خیلی راحت یک بازیکن را قضاوت کنیم و اگر راجع به بازیکنی حرف می‌زنیم باید بتوانیم فوتبال او را هم تجزیه و تحلیل کنیم. من اگر کارت زیاد گرفتم به‌خاطر نوع فوتبالی بود که بازی می‌کردم. من دوست داشتم فوتبال را محکم و درگیرانه بازی کنم و به‌همین دلیل خیلی زیاد توسط داوران جریمه می‌شدم. این موضوع هم فقط مختص به من نیست و هر بازیکنی که فوتبال را قلدر و درگیرانه بازی کند قطعا دچار اشتباه محاساتی هم شد.من نمی‌توانم نصیحت خاصی به کمال بکنم و قطعا او خودش می‌داند که چه کاری درست است و چه کاری غلط. اما امیدوارم او در آینده